جنایت در قلعه مخروبه

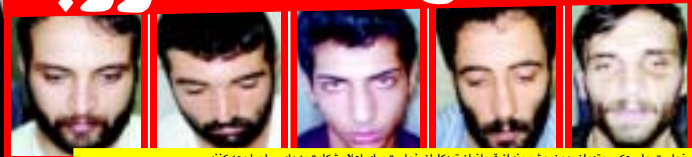

بازپرس «عتباتی»، با درخواست چاپ عکس متهمان بدون چشم بند از قربانیان تبهکاران خواست برای اعلام شکایت به داد سرا مراجعه کنند

گروه حوادث- ایران واشقانی فراهانی: عاملان جنایت در یکی از قلعه های متروکه در جریان تجسس های کارآگاهان پلیس آگاهی قم دستگیر شدند.

۱۰ پسر شرور پس از ربودن دختر جوانی او را به قلعه مخروبه کشانده و بعد از آزار و اذیت، وی را به قتل رساندند. صبح ۱۴ مرداد مأموران پلیس ۱۱۰ در جریان ماجرای کشف جسد نیم سوخته دختر جوانی زیر پل خط آهن روستای قم رود قرارگرفتند. لحظاتی بعد به دستور مصطفی برزگر گنجی دادستان قم، ناصر عتباتی، بازپرس شعبه سوم دادسرای این شهرستان همراه اکیپی از کارآگاهان جنایی پلیس آگاهی خود را به محل جنایت رسانده و تحقیقات در این باره را آغاز کردند. از آنجا که هیچ مدرک و نشانی برای شناسایی هویت قربانی جنایت وجود نداشت جسد برای شناسایی و تحقیقات درباره چگونگی قتل به پزشکی قانونی منتقل شد.

■ **شناسایی جسد**

در حالی که تجسس های پلیس برای ردیابی عاملان جنایت ادامه داشت، آنها دریافتند ۹ روز قبل اعضای خانواده ای با مراجعه به پلیس از ماجرای ناپدید شدن دخترشان به نام نرگس خبر دادند. وقتی جسد پیدا شده با نشانی های دختر گم شده، مطابقت داده شد کارآگاهان دریافتند جسد متعلق به نرگس است.

■ **بازداشت خواستگار سابق**

بدین ترتیب مأموران با احتمال این که خواستگار سابق دختر جوان از ماجرای ناپدید شدن و قتل او اطلاعی داشته باشد، وی را بازداشت و تحت تحقیق قرار دادند. وی گفت: مدتی قبل نرگس را در خیابان دیدم. ما خیلی به هم علاقه داشتیم و می خواستیم باهم ازدواج کنیم. اما خانواده اش او را برخلاف میل باطنی اش به عقد پسرعمویش درآوردند. آن روز وقتی به صورت نرگس نگاه کردم آثار درگیری و کبودی دیدم. ابتدا تصور کردم شوهرش با او درگیر شده است اما نرگس ماجرای ربوده شدن و تعرض از سوی ۵ سرنشین یک خودروی پیکان سفید رنگ را برایم تعریف کرد. او گفت: چند روز قبل وقتی سوار پیکان سفید رنگی شد، سرنشینان آن با تهدید کارد وی را به قلعه متروکه ای برده و در آنجا مورد آزار و اذیت قرار دادند.

وقتی این ماجرا را شنیدم به شدت عصبانی شدم بنابراین تصمیم گرفتم از عاملان این اقدام جنایتکارانه انتقام بگیرم. چند روز بعد یکی از آنها را شناسایی کردم به همراه چند نفر از دوستانم او را ربوده و به خارج از شهر بردیم سپس در آنجا وی را به شدت مورد ضرب و جرح قرار دادیم. بدین ترتیب پلیس با نشانی های ارائه شده از سوی خواستگار جوان مخفیگاه افراد شرور را در قلعه مخروبه شناسایی و آنها را بازداشت کرد. متهمان اصلی پرونده در اعتراف های خود گفتند: وقتی متوجه شدیم رباینده ما خواستگار سابق نرگس است تصمیم به انتقام جویی او گرفتیم. به همین دلیل با طرح نقشه ای نرگس را پس از پیاده شدن از اتوبوس در راه خانه ربوده و با خود به قلعه مخروبه بردیم. در آنجا به همراه ۸ نفر از دوستانمان او را مورد آزار و اذیت قرار دادیم. پس از رفتن دوستانمان دختر جوان را ترک موتور نشانده و او را به بیابان های اطراف بردیم در آنجا با چند ضربه کارد مجروحش کرده و سپس پیکر نیمه جانش را به آتش کشیدیم. با اعتراف های این ۲ متهم ۸ همدست آنها نیز شناسایی و دستگیر شدند. در جریان تحقیقات پلیس، اعضای این شبکه تاکنون به ۱۰ فقره آدم ربایی و تجاوز به عنف و ۲ فقره زورگیری اعتراف کرده اند. به گزارش خبرنگار ما، تحقیقات تکمیلی از متهمان همچنان در اداره آگاهی قم ادامه دارد.

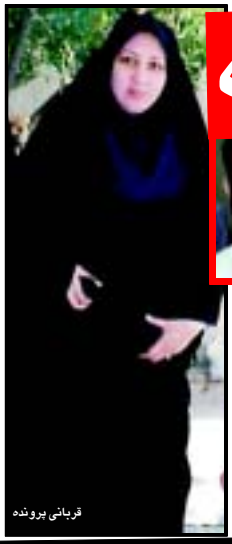

قربانی پرونده

دستگیری ۲ جوان شرور

گروه حوادث: ۲ پژوسوار که با هدف اخاذی ۲ زن جوان را به منطقه ای خلوت در غرب تهران کشانده بودند شناسایی و دستگیر شدند. این ۲ پسر جوان به دنبال اعلام شکایت مالباختگان، از سوی مأموران کلانتری ۱۴۲ کن به دام افتادند. شاکی ها در شکایت خود اعلام کردند در یکی از خیابان های غرب تهران به انتظار خودرو مسافربر ایستاده بودیم که خودرو پژوپی مقابل ما توقف کرد. به تصور آن که مسافرکش است سوار شدیم. پس از طی مسافتی یکی از سرنشینان با تهدید کارد از ما خواست سر و صدا نکنیم. بعد آنها مسیر خودرو را به طرف میدان کوهسار تغییر داده و با استفاده از تاریکی و خلوتی محل، تمامی پول ها و وسایل با ارزش ما را گرفتند. در حالی که با التماس از آنها می خواستیم کاری با ما نداشته باشند، ۲ کوهنورد متوجه شده و به کمک ما آمدند. ۲ پژوسوار زورگیر با دیدن کوهنوردان به سرعت سوار بر خودرو متواری شدند. در تحقیقات تکمیلی پلیس نیز مشخص شد متهمان بازداشت شده دارای سوابق متعدد در این زمینه هستند. بازپرس پرونده از شهروندانی که به این شیوه در غرب و شمال غرب تهران مورد زورگیری قرار گرفته اند خواست برای شناسایی متهمان به شعبه ۱۰ بازپرسی دادسرای صادقیه یا کلانتری ۱۴۲ کن مراجعه کنند.

دنیای حادثه

نور عنکبوتی به اندازه دو زمین فوتبال

در رویدادی عجیب، میلیون ها عنکبوت در منطقه ای از ایالت تگزاس آمریکا رشته توری را به اندازه ۲ برابر یک زمین فوتبال بافتند. این تور عنکبوتی بسیار بزرگ اکنون پر از حشرات کوچکی است که به دام افتاده اند.

نجات معجزه آسای دختر ۳ ساله

دختر ۳ ساله آمریکایی پس از سقوط از پنجره طبقه دوم یک آپارتمان زنده ماند. دخترچه نجات یافته همراه پرستار ۱۶ ساله اش از پنجره ساختمان ۲/۵ طبقه ای به بیرون نگاه می کرد که ناگهان پایش لغزید و از پنجره به بیرون پرت شد. این کودک روی بوته چمنهای کنار ساختمان افتاد و هیچ آسیبی ندید.

تلخ ترین حادثه سال

«امیر کوچولو» قربانی اعتیاد پدر

پدر سنگدل در دادسرا

مادر قربانی حادثه درخواست قصاص داد

گروه حوادث ـ حسین خانی: پسرک با دیدن طناب در دستان پدر حس کرد حادثه ای تلخ در راه است. چشمان معصومش را به چهره جروکیده و رنگ و رو رفته پدر دوخت. نمی دانست که عاطفه پدری در میان دود افیون گم شده است. زیر نور کمرنگ ماه، پسرک سرش را به طرف خواهر کوچکترش برگرداند. دخترک عروسک کوچولویش را به سینه فشرد. زیر لب مشغول دعا شد. عفریت مرگ در وجود مرد لانه کرده بود. دستان او حالا آشکارا می لرزید. نگاه نگران پسرک در فضای تاریک پارک چرخید اما فریاد رسی نبود. چهره پدر تکیده تر از همیشه می نمود. قطره های اشک، گونه های پسرک را نمناک کرد. دود و افیون برای پدر توان تأمل و اندیشه باقی نگذاشته بود. سایه مرگ بر فراز پارک به پرواز درآمده بود. همه چیز در یک لحظه اتفاق افتاد. چشمان سیاه دختر کوچولو از وحشت داشت از حدقه بیرون می زد. «بابایی تورو خدا؛ داداشو نکش!». مرد با شنیدن ضجه های کودکانه دخترش همچون گنگ های از خواب پریده به خود آمد اما پسرک نفس کشیدن را از یاد برده بود. عفریت مرگ در هاله ای از دود افیون قهقهه مستانه سر می داد... این بار مرد معتاد مانند گذشته طلا و جواهرات و فرش خانه را به حراج نگذاشته بود. او بارها دور از چشم همسرش برای تأمین هزینه اعتیادش وسیله ای از اسباب خانه را فروخته بود، اما این بار او برابر دیدگاه بهت زده دخترکش، با بی رحمی جان پسر ۶ ساله اش را گرفت.

خبر این جنایت هولناک نیمه شب چهارشنبه از سوی مأموران درمانگاهی در بافت آباد به مأموران کلانتری ۱۵۱ تهران اعلام شد. مرد ۳۱ ساله ای به نام «م» در حالی که فرزندانش را برای تفریح به پارک برده بود ناگهان نقشه قتل آنها را طراحی کرد اما پس از قتل «امیرحسین» ۶ ساله، دچار عذاب وجدان شد و از قتل دختر کوچولویش منصرف شد.

وی که پس از دستگیری به شعبه دوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شده بود، جزئیات حادثه را بازگو کرد.

شب وقتی به خانه برگشتم شنیدم که همسرم برای بردن بچه ها مراجعه کرده بود خیلی عصبانی شدم. نمی دانم چرا یکباره تصمیم گرفتم همراه بچه ها به پارک بروم. امیرحسین و خواهرش ساعت ها روی تاب و سرسره، بازی کردند. آنها خیلی خوشحال بودند. وقتی خسته از بازی به طرفم آمدند و تشنه بودند، برایشان آب میوه خریدم. بعد هم از پارک بیرون آمدیم. هنوز چندقدمی دور نشده بودیم که تکه طنابی را روی زمین دیدم. آن را برداشتم. امیرحسین انگار حس خوبی نداشت. به من نگاه کرد. از من خواست آنها را به خانه برگردانم. چند قدم که دور شدیم از آنها خواستم روی نیمکتی بنشینند. اما همچنان با صدایی بغض آلود اصرار می کردند به خانه برویم. وقتی طناب را دور گردن پسر کوچولویم محکم کردم احساس بدی داشتم. بسرعت طناب را باز کردم. فکر کردم او هنوز زنده است. او را در آغوش گرفته و به طرف درمانگاه ۱۷ شهریور بافت آباد دویدم. اما پزشکان گفتند پسرم مرده است.

من قصد کشتن پسرم را نداشتم. می خواستم او را تنبیه کنم.

مادر «امیرحسین» که از شنیدن خبر قتل پسر بچه اش شوکه شده بود، وقتی در برابر بازپرس «حسین اصغرزاده» قرار گرفت در حالی که بشدت می گریست، گفت: با همه بدبختی هایش ساختم. ممتاد و بیکار بود. می خواستم فرزندانم را بزرگ کنم تا این که ۸ ماه قبل وقتی ناهار خوردیم شوهرم بی مقدمه پارچ استیل را برداشت و آنقدر بر سرم کوبید تا از هوش رفتم. با خود گفتم از او جدا می شوم و بچه ها را زیر بال و پر خود می گیرم.

قرار بود «امیرحسین» را در مدرسه ثبت نام کنیم. او شوق و ذوق عجیبی برای رفتن به مدرسه داشت. اما پسرم در خانه مادربزرگش زندگی می کرد. قرار بود شوهرم برایش عکس بگیرد. اما ناگهان او بچه ها را از دیدن من منع کرد. چند بار به دیدنش رفتم. اما هر بار با کتک و فحش و ناسزا بدرقه ام کرد. چند روز قبل یکی از خاله هایم واسطه شد تا برای ساعتی بچه ها با من باشند. به همین خاطر به خانه مادرشوهرم رفتیم. با او خیلی صحبت کردیم. اما او گفت: باید پدر بچه ها اجازه دهد. ما هم دل شکسته به خانه برگشتیم. تا این که ماجرای قتل پسرم را شنیدم.

شوهرم همیشه می گفت چون نمی خواهد پسرش هم سرنوشتی مانند خودش پیدا کند حتماً او را خواهد کشت. یک روز وقتی در خانه بودیم می خواست با باز کردن شیر گازهم ۴ نفرمان را بکشد. اما با خواهش و التماس او را از این کار منصرف کردم. مدتی بعد وقتی به خانه برگشتم بچه ها را هراسان دیدم. دلیلش را پرسیدم، گفتند که بابا می خواست ما را خفه کند. او همیشه می گفت از زندگی سیر شده است. همه این اتفاق ها به خاطر اعتیاد و بیکاری اش بود. بالاخره هم پسرم را قربانی موادمخدر و افیون اعتیاد کرد. بازپرس اصغرزاده، پس از شنیدن اظهارات متهم پرونده و مادر قربانی حادثه دستور بازداشت موقت او را با انجام تحقیقات تکمیلی صادر کرد. براساس این تصمیم قضایی حضانت «فاطمه» دختر ۴ ساله خانواده نیز تا زمان روشن شدن وضع پرونده به مادرش سپرده شد. بازپرس «اصغرزاده»، در حالی که از یادآوری حضور در صحنه این قتل بشدت ناراحت بود در این باره گفت: متأسفانه این پنجمین پرونده فرزندکشی در سال جاری است که در این شعبه رسیدگی می شود. او در حالی که اشک در چشمانش حلقه زده بود ادامه داد: به نظر می رسد باید مسئولان و دست اندرکاران در این زمینه چاره ای جدی بیندیشند و گرنه...